نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی
سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۹۹، صفحات ۳۴۷ تا ۳۵۳

پژوهشی

ضرورت پژوهش‌های مقایسه‌ای درحوزه بیماری‌ها در پزشکی دوره اسلامی

محسن نوروزی‌نیا[1*]، فرید قاسملو[2]

چکیده

زمینه وهدف: ناظر به بند ۱۲ سیاست‌های ابلاغی سلامت و در جهت تبیین بخشی از طب سنتی ایران، لازم است پژوهش‌هایی با محوریت دانش اصطلاح‌شناسی در حوزه دانش بیماری‌شناسی در پزشکی سنتی ایران صورت گیرد، چراکه پژوهش‌های اولیه صورت گرفته در این زمینه نشان می‌دهد از نظر اصطلاح‌شناسی، واژگان مربوط به توصیف، تعریف و بازشناسی بیماری‌ها در متون مختلف پزشکی دوره اسلامی دچار تغییرات معنایی شده‌اند.

روش: این پژوهش، یک مطالعه تاریخی – اصطلاح‌شناختی است که با استفاده از مجموعه‌ای از اهم متون پزشکی دوره اسلامی و ثبت دیدگاه‌ها و دستاوردهای مؤلفان صورت گرفته است.

یافته‌ها: عوامل بسیاری بر پیدایی مجموعه‌ای از اصطلاحات پیرامون توصیف، تعریف و بازشناسی نام بیماری‌ها در متون پزشکی دوره اسلامی نقش داشته‌اند. زبان متون (عموماً فارسی یا عربی)، چگونگی ترجمه متن‌های پایه به زبان‌های به کار گرفته شده در ایران و تغییر معنایی واژگان در طول تاریخ از جمله این عوامل هستند. درعین‌حال،هرگونه پژوهش پایه در زمینه بیماری‌شناسی در طب سنتی ایران باهدف تبیین و بازشناسی معنایی این داده‌ها مستلزم در نظر گرفتن این تغییر معنایی‌هاهستند.

نتیجه‌گیری: با در نظر گرفتن این موضوع که دانش پزشکی دوره اسلامی به شاخه‌های گوناگون تقسیم می‌شده است، به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین این شاخه‌ها از نظر تولید واژگان و اصطلاحات تخصصی شاخه بیماری‌شناسی است که شامل مجموعه به نسبت وسیعی از نام یا توصیف بیماری‌ها است؛ اما براساس مؤلفه‌های چندی، از جمله استفاده از چند زبان مختلف یا به هم‌پیوستگی طولانی تاریخی در طب سنتی ایران و نیز ورود زبان‌های جدید پزشکی به ایران (از دوره قاجار به بعد) دگردیسی‌های معنایی مهمی در معنای نام بیماری‌ها صورت گرفته و واژه‌ای که در طب سنتی ایران به بیماری اطلاق می‌شده، امروزه به بیماری متفاوت دیگری اختصاص یافته است.

کلید واژه‌ها: آسیب‌شناسی، اصطلاح‌شناسی، پزشکی اسلامی، پزشکی سنتی

مقدمه

طرح بعضی مفاهیم اساسی در زمینه پزشکی دوره اسلامی

نخستین سطر از بند دوازدهم سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در زمینه سلامت، به موضوع بسیار مهم بازشناسی، تبیین، ترویج، توسعه و نهادینه کردن طب سنتی ایران اشاره دارد. این مهم میسر نمی‌شود مگر با پژوهش درزمینه طب سنتی ایران و لواحق آن که یکی از این لواحق موضوع تاریخ پزشکی در ایران و دیگر جوامع اسلامی است. با پژوهش در زمینه تاریخ پزشکی می‌توان دغدغه‌های گذشتگان در زمینه مهم‌ترین مسائل مبتلا به را دریافت و با شبیه‌سازی این دغدغه‌ها به راهکاری برای استفاده‌های امروزین دست یافت. مگر کارتاریخ، به جز این است؟ با بررسی عمیق مهم‌ترین آثار تألیف شده در حوزه دانش پزشکی در سراسر قلمرو جهان اسلام درمی‌یابیم پرداختن به موضوع بیماری‌ها، شامل شناسایی بیماری‌ها و ارائه راه یا راه‌هایی برای درمان آن‌ها، یکی از دغدغه‌های اصلی پزشکان دوره اسلامی است؛ همان‌گونه که در تعریف دانش‌پزشکی در متن فارسی هدایةالمتعلمین فی‌الطب نوشته اخوینی بخاری (یکی از نخستین متون فارسی پزشکی دوره اسلامی که به دست ما رسیده است، در قرن چهارم هجری)، پزشکی، دانشی که وظیفه نگاهداری تندرستی آدمیان، و بازیابی این تندرستی در صورتی که از دست رفته باشد (۱) تعریف شده است.

موضوع نگاهداری تندرستی آدمیان، در حیطه مفهوم حفظ تندرستی (حفظ صحت) بحث می‌شده است و بازیابی تندرستی، در صورتی که از دست رفته باشد، در حیطه مفهوم درمان (علاج). اینکه ما از این

۱. * نویسنده مسئول: استادیار، عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم پزشکی
۲. عضو گروه تاریخ علم، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-17]

مقوله‌های دوگانه دانش پزشکی دوره اسلامی با عنوان «مفهوم» و نه «دانش» یاد کرده‌ایم. از آن جهت است که به ویژه در متون و منابع مربوط به طبقه‌بندی علوم دوره اسلامی، تاکنون و درهنگام دسته‌بندی‌های مختلف علوم در اسلام، مفهوم «دانش حفظ صحت» یا «دانش درمان» یا «علم علاج» دیده نشده است. از جمله، در کتاب ارشاد القاصد الی أسنی المقاصد نوشته شمس‌الدین انصاری سنجاری، معروف به ابن‌اکفانی (مرگ در ۷۴۹ هجری) به هنگام توصیف ویژگی‌ها و تعریف دانش پزشکی، هم‌صدا با اخوینی بخاری نگاهداری تندرستی و دور کردن بیماری از بدن انسان وظیفه دانش پزشکی دانسته شده است (۲). گفتنی است که مفصل‌ترین گزارش درباره طبقه‌بندی علوم در تمدن اسلامی، از آنِ دانشمندی به نام احمدبن مصطفی طاش کبری‌زاده (مرگ درسال ۹۶۸هجری) است که در کتاب مفصل خود به نام مفتاح‌السعاده و مصباح‌السیاده فی موضوعات‌العلوم به تفصیل گزارشی درباره طبقه‌بندی علوم در اسلام داده است(۳). قابل توجه است که نوشته او درخصوص تعریف دانش پزشکی، وظیفه آن و بخش‌های آن همچنان همانند ابن‌اکفانی است. همچنین، قابل ذکر است که او، اگرچه بیش از دویست دانش مختلف را در علوم دوره اسلامی برمی‌شمارد، همچنان از دانشی چون علم‌العلاج یا هر علمی با این کاربرد، سخنی به میان نمی‌آورد. قابل ذکراست که تأکید ما بر آراء کسانی است که کوشش آنان بر ارائه گزارشی طبقه‌بندی گونه از دانش پزشکی دوره اسلامی بوده است. چرا که معتقدیم آراء این دسته از دانشمندان دوره اسلامی گواه مناسبی بر نگاه جامعه‌مدار بر پزشکی (نگاهی از بیرون از دامنه پزشکان و پزشکی نویسان دوره اسلامی) بوده است که بهتر می‌تواند به ساختارشناسی دانش پزشکی دوره اسلامی در قرون مختلف کمک کند.

این مقدمه از آن جهت طرح شد که توجه نمائیم به نظر می‌رسد در تمدن اسلامی، دانشی در موضوع بیماری‌شناسی وجود نداشته و اگر بحث‌ها و پژوهش‌های متعددی در حوزه این مفهوم صورت می‌گرفته، جملگی در داخل مفهوم «دانش پزشکی» بوده و براین اساس، یکی از شاخه‌های دانش پزشکی حیطه بیماری‌شناسی است.

روش پژوهش

این پژوهش یک بررسی تاریخی - کتابخانه‌ای است. با بررسی مجموعه‌ای از آثار پزشکان دوره اسلامی و کنارهم قرار دادن مفاهیم مشترک کوشیده‌ایم دست به بررسی چگونگی بروز بیماری‌ها در این متون (از نظر موضوع آن‌ها و محل قرار گیری این موضوعات درهر کتاب) بپردازیم. تکیه ما دراین میان به داده‌های آماری نیز بوده است. از جمله تعداد بیماری‌های طرح شده در هر کدام و متوسط حجمی که در توصیف هر بیماری نویسنده به موضوع اختصاص داده است. از آنجایی که این پژوهش نخستین کار در زمینه بیماری‌شناسی در پزشکی دوره اسلامی است و رویکرد اصلی نیز تهیه داده‌های آماری از این بیماری‌ها می‌باشد،کوشش برای دست‌یابی به داده‌های تخصصی‌تر در این زمینه را به پژوهش‌های تکمیلی‌تر موکول کرده‌ایم.

یافته‌ها

مفاهیم و دگرگونی آن‌ها در پزشکی و بیماری‌شناسی دوره اسلامی

اکنون لازم است به این موضوع توجه کنیم که در دانش پزشکی دوره اسلامی، چه مفاهیم یا موضوع‌هایی وجود داشته که بیان‌کننده مفهوم بیماری و بیماری‌شناسی بوده است؟ براساس پژوهش‌هایی که درباره طبقه‌بندی علم پزشکی در تمدن اسلامی صورت گرفته، کمابیش می‌توان جایگاه این مفهوم را در ساختار کلان دانش پزشکی دوره اسلامی شناسایی کرد.

براساس پژوهش عثمان بکار (که گزارش خود را براساس مطالعه حجم وسیعی از متون پزشکی دوره اسلامی تهیه کرده است)، می‌توان شمایی کلی از دانش پزشکی دوره اسلامی ترسیم کرد. براساس این شما(۴) دانش پزشکی دوره اسلامی به دو حوزه نظری و عملی و حوزه عملی خود به دو مفهوم بهداشت، و درمان بیماری‌ها تقسیم می‌شود.

در مفهوم درمان‌شناسی، چهار فرایند بیماری‌شناسی و درمان آنها وجود دارد: درمان به وسیله راهکارهای عملی، درمان به وسیله خوراک‌درمانی، درمان به وسیله دارو درمانی و در نهایت، درمان به وسیله جراحی.

قابل ذکر است که این طبقه‌بندی مفهوم درمان‌شناسی در پزشکی دوره اسلامی، خود برگرفته از چند قاعده و اصل کلی دانش پزشکی دوره اسلامی است. از جمله، این اصل که خوردنی‌ها دو دسته هستند، غذاها و دارو، و نیز، این اصل که داروها دو دسته داروهای مفرد (داروهای یک جزیی) و داروهای مرکب (قرابادین‌ها) هستند، و نیز این اصل که رفتارهای زندگی انساها می‌توانند اثر درمانی داشته باشند، از جمله حمام کردن، ورزش کردن (ریاضت)، و مشت و مال (دلک).

اکنون می‌توان پرسشی نیز مطرح کرد: در نظام فکری و روشی پزشکی دوره اسلامی، بیماری‌ها چگونه رده‌بندی می‌شوند؟ به عبارت دیگر، حوزه بیماری و بیماری‌شناسی، خود به چه جزء یا اجزایی تقسیم می‌شود؟ در بند قبلی گفتیم که راههایی چهارگانه درباره «درمان» بیماری‌ها وجود دارد؛ اما خود حوزه بیماری، به چه بخش‌هایی تقسیم می‌شود؟

براساس گزارش مرادی و اسماعیلی، که آن‌ها نیزهمانند بکار دامنه بررسی خود را بر مجموعه وسیعی از متون پزشکی دوره اسلامی قرار داده‌اند، می‌توان کمابیش به این پرسش نیز پاسخ داد. براساس نوشته مرادی و اسماعیلی (۵) می‌توان گفت در گام اول، بیماری‌ها به دو بخش اصلی و شرکی تقسیم می‌شوند. بیماری‌های اصلی بیماری‌هایی هستند که یک عضو به‌تنهایی دچار بیماری می‌شود و بیماری‌های شرکی بیماری‌هایی

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-17]

هستند که دو یا تعداد بیشتری از اعضا را درگیر می‌نمایند. در گام دوم، می‌توان بیماری‌ها را براساس نوع آن‌ها نیز، به دو دسته بیماری‌های مفرد و بیماری‌های مرکب تقسیم کرد. بیماری‌های مفرد بیماری‌هایی هستند که در آن‌ها فقط یک عارضه بر تن نشسته و شکل بیماری، فقط یک وضع را نشان می‌دهد، مانند انواع تب‌ها، و در مقابل، بیماری‌های مرکب بیماری‌هایی هستند که وضع بیماری، بروز چند عامل مختلف را نشان می‌دهد. چون انواع زخم‌ها، که در آن‌ها هم خراش و بریدگی و پاره شدن پوست هم بروز چرک وهم بروز خونریزی و مانند آن دیده می‌شود.

در این تقسیم‌بندی، بیماری‌های مفرد خود به سه دسته سوءمزاج (برهم خوردن مزاج بدن بر اثر غلبه خلطی بر خلط دیگر و رفع تعادل مزاج بدن)، بیماری‌های ترکیب (بیماری‌هایی که مقدار یا تعداد یا وضع یک عضو را تغییر می‌دهند، مانند دندان درد) و تفرق اتصال (هرگونه شکستگی، در رفتگی یا جدا شدگی در بدن) تقسیم می‌شوند.

بیماری‌شناسی در پزشکی دوره اسلامی، تنوع منابع

آنچه تا کنون طرح شد، همگی مجموعه‌ای از داده‌ها و بحث‌های نظری در حوزه پزشکی دوره اسلامی بوده‌اند. اکنون می‌توان گام را کمی فراتر نهاد و به طرح مسائل مربوط به بیماری و بیماری‌شناسی از منظر چگونگی طرح خود بیماری‌ها در پزشکی دوره اسلامی پرداخت. چراکه، اگرچه آنگونه که در سطور پیش بدان پرداخته شد راه‌های گوناگونی درباره طبقه‌بندی بیماری‌ها در متون پزشکی دوره اسلامی وجود داشته است، اما واقعیت این است که در این متون،هیچ‌گاه بیماری‌ها بدین صورت طرح، ارائه و تعریف نشده‌اند. کمابیش در این متون بیماری‌ها به دو شکل طرح می‌شده‌اند، بیماری‌های اعضای بدن، از سر تا پا. و دیگر، بیماری‌هایی که تمام بدن راهدف قرار داده و یا محل بروز آن‌ها در سراسر بدن یکسان بوده است. در بیماری‌های گروه نخست، بیماری مختص به اعضا و از آن میان به بیماری‌های چشم می‌توان اشاره کرد. به عنوان نمونه بیماری‌های پلک (از جمله تحجر، آماسی که پلک را درگیر می‌کند)، بیماری‌های گوشه چشم، (از جمله دمعه اشکی که به طور دائم در گوشه چشم قرار می‌گیرد)، بیماری‌های بخش‌های مختلف چشم (همچون آب آوردن آب یا کاتاراکت) بیماری‌های آسیب‌رسان به بینایی.

در حوزه بیماری‌های سراسر بدن نیز می‌توان به تب، طاعون یا جذام اشاره کرد.

براین اساس، تأکید این نوشته این است که مهم‌ترین گروه و دسته‌بندی بیماری‌ها در دانش پزشکی دوره اسلامی برگرفته ازهمین تقسیم‌بندی است. به روایت دیگر، در آثار پزشکان دوره اسلامی، کمابیش و بسته به عمق و حوزه بررسی مؤلف هر متن، بیشترین بیماری‌ها براساس همین طبقه‌بندی معرفی شده‌اند و براساس مطالعه مجموعه متون مختلف پزشکی دوره اسلامی، بیشترین تعداد بیماری‌ها ازهمین طبقه‌بندی‌ها استخراج می‌شوند.

براساس آنچه در بند قبلی ذکر شد، گزارشی درخصوص تعداد تنوع نام بیماری‌های بدن را می‌توان از جمله در آثار علی‌بن سهل، ابن‌ربن طبری (زندگی ۱۵۸-۲۵۰هجری) در کتاب فردوس الحکمه؛ابن جزار، احمدبن ابراهیم (زندگی ۲۸۵-۳۶۹هجری)، در کتاب زاد المسافر؛ محمدبن زکریا رازی (زندگی ۲۵۱-۳۱۳هجری) در محموعه‌ای از آثار خود از جمله الحاوی فی الطب و کتاب الفصول، علی‌بن عباس مجوسی اهوازی (مرگ در ۳۸۴هجری) درکتاب کامل الصناعه الطبیه، خلف‌بن عباس زهراوی (مرگ در ۴۰۴هجری)درکتاب التصریف لمن عجر عن التالیف حسین‌بن عبدالله سینا (مرگ در ۴۲۸هجری)، در شاهکار پزشکی‌اش، قانون فی الطب؛ مختاربن حسن ابن‌بطلان (مرگ در ۴۵۸)،در کتاب تدبیر الامراض؛ یحیی‌بن عیسی ابن‌جزله (مرگ در ۴۹۳)، در کتاب تقویم الابدان؛ابوالفرج یحیی‌بن صاعد ابن‌تلمیذ (زندگی ۴۶۵-۵۶۰هجری)، در کتاب اقرابادین؛ سیداسماعیل جرجانی (زندگی ۴۳۴-۵۳۱هجری)، در کتاب ذخیره خوارزمشاهی؛امین‌الدوله یعقوب ابن‌قف (زندگی ۶۳۰-۶۸۵) درکتاب العمده فی الجراحه؛ و علی‌بن حزم ابن‌نفیس (زندگی ۶۰۷-۶۸۷ هجری) درکتاب الشامل یافت.

هرکدام از این افراد، که آن‌ها را می‌توان از جمله دوازده پزشک مشهور تمدن اسلامی برشمرد، در کتاب یا کتاب‌های خود به گروهی از بیماری‌های شناسایی شده در دانش پزشکی دوره اسلامی اشاره کرده، آن‌ها را نام برده یا گزارش یا گزارش‌هایی حاوی راه درمان آن بیماری خاص ارائه کرده‌اند.

یک نکته مهم که در اینجا باید بدان توجه کرد این است که میزان ورود پزشکان دوره اسلامی به توصیف بیماری‌ها بسیار دارای نوسان است. در بعضی موارد، توصیف بیماری فقط یک سطر را در برمی‌گیرد و معطوف به ارجاع آن به شکل کلی‌تر بیماری است و در بعضی موارد، توصیف بیماری شامل گزارش مفصل شناخت، راه‌های درمان و روش‌های جلوگیری از بازگشت بیماری است که ده‌ها صفحه را دربرمی‌گیرد.

در میان پزشکان دوره اسلامی، از جمله گزارش‌های محمدبن زکریا رازی درباره انواع بیماری‌ها از سر تا پا بسیار جالب است. این موضوع ازآنجا برمی‌گردد که مهم‌ترین کتاب باقی مانده از رازی، الحاوی فی الطب که به نظر می‌رسد از جمله آخرین آثار تألیفی رازی باشد، اختصاصاً در حوزه بیماری‌شناسی تألیف شده و فاقد بحث‌های مفصل نظری درباره دانش پزشکی، اصول و فروع آن و بحث‌هایی از این دست (که از جمله در کتاب القانون فی‌الطب ابن‌سینا محل بروز یافته است) می‌باشد. از آنجایی که رازی کتاب الحاوی فی‌الطب رابه منزله دایرةالمعارفی برای درمان بیماری‌ها تألیف کرده است، گزارش‌های او درباره معرفی بیماری‌ها را می‌توان از جمله مفصل‌ترین فهرست بیماری‌شناسی در تمدن اسلامی نیز به شمار آورد. کتاب الحاوی فی‌الطب، براساس مهم‌ترین چاپ از آن که طی سال‌های ۱۹۵۵-۱۹۷۳ در حیدرآباد هندوستان به چاپ رسیده و تاکنون مهم‌ترین

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-17]

چاپ این کتاب به شمار می‌رود در بیست و دو جزء (بخش) تألیف شده است (اگر چه نباید ناگفته نیز گذاشت که نقل‌قول‌های مختلفی درباره ساختار این کتاب وجود دارد، از جمله، ابن‌ابی‌اصیبعه (زندگی ۶۰۰- ۶۸۶ هجری) نوشته است که این کتاب در دوازده فصل تألیف شده است (۶) و این، احتمالاً از آن جهت است که او نسخه کاملی از این کتاب عظیم را در دسترس نداشته است). کتاب الحاوی فی الطب را می‌توان به ۵ بخش کاملاً نامتجانس تقسیم کرد، ۱۰ کتاب (جزء) ابتدایی، شامل گزارش‌هایی درباره بیماری‌های بدن از سر تا کلیه و دستگاه گوارش است، کتاب‌های ۱۱ تا ۱۳ شامل گزارشی درباره بیماری‌های انگلی، سرطان‌ها و زخم‌های داخلی و دستگاه تناسلی است؛ سه کتاب چهارده تا شانزده، فقط به انواع تب‌ها می‌پردازد، کتاب‌های ۱۷ تا ۱۹ درباره بیماری‌های آبله، سرخک، سموم و گزیدگی‌هاست و سه کتاب‌آخری (شامل کتاب‌های بیستم تا بیست و دوم) فقط به معرفی داروها اختصاص دارد.

این گزارش ساختارشناسی کتاب الحاوی فی‌الطب، نکاتی چند را نشان می‌دهد، از جمله اینکه مهم‌ترین تأکید رازی بر بیماری‌های مفرد و مربوط به نیمه بالایی بدن است و دیگر آنکه رازی به جز معدود بیماری‌های سراسر بدن، از جمله تب‌ها، آبله، سرخک و گزیدگی‌ها به دیگر بیماری‌های سراسر بدن تعرضی نداشته است.

بررسی کتاب الحاوی فی الطب، از نظر معرفی بیماری‌های مفرد بدن از سر تا دستگاه گوارش، نشان می‌دهد رازی روی هم رفته حدود ۶۷۰ بیماری را، براساس گزارش زیر، معرفی کرده است:

۱- بیماری‌های سر	تعداد	۶۸	بیماری
۲- بیماری‌های چشم	تعداد	۱۵۶	بیماری
۳- بیماری‌های زبان	تعداد	۲۳	بیماری
۴- بیماری‌های دهان	تعداد	۳۵	بیماری
۵- بیماری‌های تنفس	تعداد	۴۸	بیماری
۶- بیماری‌های بینی	تعداد	۲۸	بیماری
۷- بیماری‌های دندان	تعداد	۲۴	بیماری
۸- بیماری‌های گوش	تعداد	۳۶	بیماری
۹- بیماری‌های پستان	تعداد	۱۳	بیماری
۱۰- بیماری‌های قلب	تعداد	۲۰	بیماری
۱۱- بیماری‌های کبد	تعداد	۳۳	بیماری
۱۲- بیماری‌های طحال	تعداد	۱۴	بیماری
۱۳- بیماری‌های ریه	تعداد	۲۵	بیماری
۱۴- بیماری‌های مری و معده تعداد		۱۲۸	بیماری
۱۵- بیماری‌های روده	تعداد	۲۴	بیماری

نکته قابل ذکر درخصوص این گزارش آماری این است که دامنه وسیع بیماری‌های چشم ذکر شده توسط رازی، اصلاً اتفاقی نیست، آمار ارائه شده در سطور قبل در خصوص بیماری‌های ذکر شده توسط رازی نشان می‌دهد تعداد بیماری‌های چشم به‌تنهایی ازهمه تعداد بیماری‌های سه عضو دستگاه گوارش شامل مری، روده و معده بیشتر است. این گسترش تعداد بیماری‌های چشم ناشی از این واقعیت است که از میان شاخه‌های مختلف دانش پزشکی دوره اسلامی، فقط شاخه چشم‌پزشکی (در عربی: کحالی) خود ادبیات علمی‌خاص خود را پدید آورد و آثار متعددی کتاب در این رشته از دانش، به زبان‌های فارسی و عربی تألیف شدند. قابل ذکر است که درهیچ رشته دیگری از فنون مختلف عضوشناسی یا بیماری‌شناسی دانش پزشکی دوره اسلامی کتاب اختصاصی تألیف نشد و چشم‌پزشکی اسلامی در این میان منحصر مانده همین توجه به چشم و چشم‌پزشکی شامل ساختارشناسی چشم، توجه به چگونگی فرایند رؤیت در پزشکی اسلامی و توجه به بیماری اجزاء مختلف چشم باعث شد بیش از همه اعضای بدن، بیماری در خصوص چشم شناسایی شود.

کتاب (جزء) دوم کتاب الحاوی... اختصاص به بیماری‌های چشم دارد و رازی در این بخش از کتاب(۷) فقط به بیماری‌های چشم پرداخته است. او در این کتاب، بیماری‌های چشم را براساس طبقه‌بندی زیر برشمرده است:

۱. ورم‌های کلی چشم
۲. ورم‌های پلک
۳. ضعف بینایی
۴. کوری
۵. جرب
۶. ظفره
۷. سبل
۸. زخم‌ها
۹. رمد
۱۰. بیماری‌های پلک
۱۱. بیماری‌های گوشه چشم
۱۲. بیماری‌های قرنیه
۱۳. بیماری‌های عنبیه
۱۴. بیماری‌های بیضیه
۱۵. بیماری‌های زجاجیه
۱۶. بیماری‌های ملتحمه
۱۷. بیماری‌های مربوط به حرکت‌های چشم

این توضیح لازم است که تأکید ما بر توصیف طبقه‌بندی بیماری‌های چشم از سوی رازی این بود که نشان دهیم رازی همچون دیگر پزشکان دوره اسلامی همچنان تحت تأثیر سنت بیماری‌شناسی چشم در پزشکی دوره اسلامی قرار گرفته وهمچون پزشکان پیش از خود از جمله حنین‌بن اسحاق (زندگی ۱۹۴-۲۶۰هجری) توجه خاصی به بیماری‌های چشم داشته است. این توجه به چشم‌پزشکی و بیماری‌های چشم یک نسل پس از محمدبن زکریا رازی در کتاب تذکرۀالکحالین نوشته علی‌بن عیسی

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-17]

کحال (مرگ در ۴۳۰هجری) به اوج می‌رسد که آن را می‌توان مهم‌ترین کتاب در معرفی بیماری‌های چشم در پزشکی دوره اسلامی دانست. اگرچه، قابل ذکر است که علی‌بن عیسی کحال در کتاب تذکرۀالکحالین، فقط حدود۱۳۰ بیماری چشم را توصیف کرده است(۸).

درخصوص گزارشی از بیماری‌های بدن در پزشکی دوره اسلامی، لازم است به کتابی نیز اشاره کنیم که اگر چه در تاریخ پزشکی دوره اسلامی بسیار مورد توجه قرار گرفته و بدان توجه شده، اما در عین حال که از مهم‌ترین متون بیماری‌شناسی پزشکی دوره اسلامی به شمار می‌رود اما از این دید کمتر بدان پرداخته شده و آن، کتاب التصریف لمن عجز عن التألیف، نوشته خلف‌بن عباس زهراوی (مرگ در ۴۰۴هجری) است که از جمله اهم متون پزشکی دوره اسلامی در غرب جهان اسلام به شمار می‌رود. التصریف لمن عجز عن التألیف در سی مقاله نوشته شده و مقاله سی‌اُم آن درباره جراحی‌هاست و در این مقاله زهراوی تصویر بیش از یکصد وسیله جراحی را رسم کرده است. از این دید، التصریف لمن عجز عن التألیف (به حق) کتاب مهمی‌است و این مقاله (مقاله ۳۰) آن بسیار مورد توجه قرار گرفته و به‌تنهایی به زبان‌های مختلف (و از آن جمله زبان فارسی) ترجمه شده است. اما واقعیت این است که از نظر حجم، مقاله دوم این کتاب، درباره تقسیم‌بندی بیماری‌های و علامت‌های بیماری‌ها و راه‌های درمان آن‌ها، بیشترین حجم کتاب را به خود اختصاص داده است. گفتنی است که مقاله دوم این کتاب، به تنهایی بیش از سی درصد حجم کل کتاب را به خود اختصاص می‌دهد و با تأکید براین موضوع که این کتاب سی مقاله دارد، می‌توان حجم آن را در مقایسه با ۲۹ مقاله دیگر تخمین زد. مقاله دوم این کتاب از جمله مفصل‌ترین و در عین حال جالب‌ترین گزارش‌ها درباره بیماری‌ها در پزشکی دوره اسلامی است. مقاله هفتم التصریف لمن عجز عن التألیف را می‌توان از ۷ بخش مختلف متشکل دانست: ابتدا، گزارشی از بیماری‌های از سر تا مثانه؛ سپس گزارشی درباره بیماری‌های زنان، کودکان و کهنسالان، در ادامه بخشی درباره بیماری‌های مفاصل: بخشی درباره بیماری‌هایی که از خارج از بدن وارد می‌شوند، مانند انواع زخم‌ها، شکستگی‌ها و سوختگی‌ها؛ بیماری‌های ناشی از مسمومیت، بخش مربوط به بیماری‌های پوست و ظاهر بدن و در نهایت بخشی درباره تب‌ها.

گفتنی است درخصوص بیماری‌های سر، زهراوی بیماری‌های پوست سر را از دیگر بیماری‌های سر (که عموما داخل جمجمه رخ می‌دهند مانند سرگیجه) جدا کرده است. در خصوص بیماری‌های چشم او روی هم رفته حدود ۱۰۰ بیماری را توصیف کرده است. درخصوص بیماری‌های زنان، او در حدود ۴۰ بیماری، از جمله چند بیماری مربوط به دشواری زایمان را برشمرده است و درخصوص تب‌ها نیز، او ۱۷ گونه تب مفرد و مجموعه‌ای از تب‌ها، با عنوان تب‌های مرکب را توصیف کرده است(۹).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد می‌توان دانش پزشکی دوره اسلامی را به شیوه‌ها و راه‌های گوناگون تقسیم‌بندی کرد. از جمله، تقسیم به اصول نظری و عملی، تقسیم به روش‌های درمان و راه‌های شناسایی بیماری، پرداختن به اصول مربوط به داروشناسی و مفاهیم از این دست. اما در عین حال، ناظر به تعریف اصلی دانش پزشکی دوره اسلامی که وظیفه این دانش را در دو جزء حفظ تندرستی و زدودن بیماری تقسیم کرده است، یکی از اصول مهم حاکم بر شناسایی دانش پزشکی دوره اسلامی، شناسایی بیماری‌های طرح شده در آن و نیز بررسی راه‌هایی است که برای درمان این بیماری‌ها برشمرده شده است. این مهم میسر نمی‌شود مگر پیش ازهرچیز، ارائه فهرست درهمکردی از مهم‌ترین بیماری‌های طرح شده در متون پزشکی دوره اسلامی، که البته ناظر به گستردگی منابع، چه از نظر نوع (شامل متون مربوط به مباحث نظری و نیز مفاهیم عملی) و چه از نظر زبان (شامل متونی به فارسی و عربی) لازم است این رویکرد به صورت مرحله‌ای، و با انتخاب مرحله به مرحله مهم‌ترین متون و استخراج بیماری‌ها از دل آن‌ها صورت پذیرد.

در عین حال، قابل ذکر است که ورود به عرصه بیماری‌شناسی، پیش ازهر چیز از طریق مباحث زبانی، و توجه به اصول مطروحه زبان‌های مورد استفاده در تمدن اسلامی (ازهمه مهم‌تر، فارسی و عربی) لازم است صورت پذیرد. توجه به ذکر دوگانه نام بیماری‌ها به صورت‌های فارسی (در متون فارسی) و به عربی (در متون عربی و البته در بسیاری از متون فارسی) می‌طلبد برای جلوگیری از ذکر چندباره یک بیماری خاص در مواضع مختلف الفبایی، کوششی تطبیقی در یکسان‌سازی نام یک بیماری در چند صورت زبانی انجام پذیرد (برای نمونه، نام‌های خوره، آکله و جذام، همه نام‌هایی برای یک بیماری، جذام،هستند). تهیه فهرستی از این بیماری‌ها و همچنین توجه به نظام‌دهی این اصطلاحات در قالب روابط اعم و اخص (تبیین تعلق هر یک ازاین اصطلاحات، از آن جمله، بیماری‌ها به مفاهیم عام‌تر در پزشکی دوره اسلامی) گامی‌در جهت طراحی یکی از مهم‌ترین منابع پژوهش در پزشکی دوره اسلامی "اصطلاحنامه پزشکی دوره اسلامی" خواهد بود. مولفان این مقاله تردیدی ندارند (ناظر به اهمیت و جایگاه نام‌شناسی بیماری‌ها در پزشکی دوره اسلامی) یکی از مهم‌ترین بخش‌ها (یا به تعبیری، حجم مهمی از این اصطلاحنامه) مربوط به حوزه نام‌شناسی بیماری‌ها خواهد بود.گام بعدی در این زمینه، و گسترش مفهومی این اصطلاحنامه، برآورنده یکی از آروزهای دیرینه علاقه‌مندان و پژوهشگران پزشکی دوره اسلامی، تهیه "هستی‌شناسی پزشکی دوره اسلامی " خواهد بود که یکی از مهم‌ترین دستاوردهای پژوهشی در زمینه پزشکی دوره اسلامی است. از طرفی، رسیدن به این هستی‌شناسی بدون تهیه اصطلاح‌نامه پزشکی دوره اسلامی امکان‌پذیر

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-17]

نخواهد بود و از طرف دیگر، تردیدی نیست همچنان بخش " نام‌شناسی بیماری‌ها" در این هستی‌شناسی نیز حجم مهمی از آن را به خود اختصاص خواهد داد.

فارغ از اینکه چنین اصطلاح‌نامه یا هستی‌شناسی تهیه شوند، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای تهیه فهرستی از نام بیماری‌ها و توصیف آن‌ها در اهم متون پزشکی دوره اسلامی، تعیین جایگاه دانش پزشکی دوره اسلامی در نظام پزشکی جهانی است. کوششی برای ارائه توصیف دانشمندان ایرانی - اسلامی از بیماری‌ها نشان خواهد داد حد فاصل زندگی جالینوس (حدود قرن اول میلادی) تا پیدایش دانش پزشکی نوین در سطح جهانی آن (قرن هفدهم میلادی) دانش پزشکی دوره اسلامی با کوشش بسیاری از پزشکان که بیشینه آن‌ها متعلق به حوزه فرهنگ ایرانی بوده‌اند، هم از لحاظ سطح کمی و هم از لحاظ سطح کیفی چگونه به گسترش دانش پزشکی در مقیاس جهان آن کمک کرده‌اند. این اتفاق‌نظر بین همه نظریه‌پردازان و پژوهشگران تاریخ علم (در سطح جهان) وجود دارد که " دانش" یک مفهوم جهانی است که در سیر زمان گسترش یافته و در هر برهه‌ای از تاریخ فرهنگ؛ تمدن یا حوزه جغرافیایی خاصی در گسترش مرزهای دانش جهانی نقش اساسی و تأثیر گذار داشته است. اصولاً وظیفه تاریخ علم نیز، تبیین همین کوشش‌های جهانی برای روش شدن نقش تمدن‌های مختلف در گسترش دانش (در مقیاس جهانی آن) است. براین‌اساس، در طرحی پژوهشی که با محوریت نام‌شناسی بیماری‌ها در چند متن پزشکی دوره اسلامی انجام شود، با استخراج و ارائه توصیف این بیماری‌ها، به هنگام تهیه هر گزارشی درباره آن‌ها می‌توان بخشی را نیز (هرچند کوتاه) به بیان نقش دانشمندان و پزشکان دوره اسلامی (که دست‌کم در حوزه دانش پزشکی بیشترین آن‌ها ایرانی بوده‌اند) اختصاص داد. این بند کوتاه در مقاله‌ای که به بررسی پیشرفت‌های امروزین در مقوله یک بیماری خاص می‌پردازد، ضمن اینکه روشن‌کننده تاریخ تحول داده‌های تاریخ پزشکی درباره آن بیماری خاص است؛ نشان می‌دهد پزشکان دوره اسلامی نیز در سالیان؛ قرن‌ها و یک‌هزار سال پزشکی دوره اسلامی چه دیدگاهی درباره بیماریی داشته‌اند که هنوز دغدغه نوع بشر بوده وهنوز درباره آن پژوهش می‌شود.

در نهایت گفتنی اینکه مباحث زبانی و زبان‌شناسی یک بار دیگر به هنگام بررسی بیماری‌شناسی خود را نشان خواهند داد و آن، موضوع انتقال دانش پزشکی ایران، از دوره کهن خود (براساس آراء پزشکانی از جنس ابن‌سینا و رازی) به دوره پزشکی نوین، و به وساطت دارالفنون است. واقعیت این است که در پی رخدادهای مربوط به نیمه دوم دوره قاجار در ایران و ورود علوم نوین (و از آن جمله پزشکی) به ایران، نمونه‌هایی از نام بیماری‌های به کار گرفته شده در پزشکی دوره اسلامی، براساس استفاده از این متون و بدون توجه به توصیف آن‌ها، برای نامیدن بیماری‌های جدید به کار گرفته شدند. از جمله این موارد استفاده از واژه حصبه، برای نامیدن بیماری عفونی تیفوییید (Typhoid) است. درحالی‌که واژه حصبه، در تمامی متون پزشکی دوره اسلامی، برای نامیدن بیماری به کار می‌رفته که توصیف آن، مجموعه زخم‌هایی به‌اندازه دانه ارزن یا جو و به رنگ قرمز بوده که همراه با تب بروز کرده و گاهی اوقات منجر به هلاک فرد می‌شده است، اما در صورت بهبودی جای زخم‌ها بعد از مدتی از بین می‌رفته است یعنی بیماری که امروزه سرخک نامیده می‌شود. توصیف این بیماری (سرخک) با استفاده از واژه حصبه از جمله در ذخیره خوارزمشاهی سیداسماعیل جرجانی (۱۰) و بسیاری دیگر از متون پزشکی دوره اسلامی دیده می‌شود.

پژوهشی درباره توصیف بیماری‌ها براساس متون پزشکی دوره اسلامی نشان می‌دهد چه میزان از این اصطلاحات مربوط به پزشکی دوره اسلامی در پزشکی امروز و برای نامیدن بیماری متفاوت، به کار گرفته شده‌اند. تردیدی نیست بالیدن و رشد زبان پزشکی فارسی (که امروزه دغدغه بسیاری از پزشکان ایرانی نیزهست) بدون پرداختن به پژوهش‌هایی از این دست و ارائه دستاوردهای تاریخ علم محور امکان‌پذیر نخواهد بود.

یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای پژوهش‌های تطبیقی از این دست رسیدن به پیکره واژگانی اصطلاحات تخصصی پزشکی دوره اسلامی و از این طریق، دستیابی به اصطلاحنامه پزشکی دوره اسلامی است. تهیه اصطلاح‌نامه‌هایی از این دست، مهم‌ترین اقدام برای تهیه زیرساخت‌های پرداختن به تاریخ پزشکی دوره اسلامی و همچنین گسترش قلمرو واژگانی پزشکی به زبان فارسی به شمار می‌رود. رسیدن به ایده‌آل تهیه "هستی‌شناسی پزشکی دوره اسلامی" این روزها نه در قالب برنامه‌های دسترسی زمانی، بلکه در قالب آرزوهای دور از دسترس دیده می‌شود. اما جهان هر روز شاهد پیشرفت‌های مهم در حوزه شبکه‌های اطلاعاتی است. آنچه امروز "آرزو" به شمار می‌رود، در آینده‌ای نه چندان دور تبدیل به "ضرورت" خواهد شد.

استفاده از مهم‌ترین منابع، سود بردن از مجموعه ای از متون پزشکی دوره اسلامی که به توسط مبرزترین این پزشکان نوشته شده (و نه استفاده از منابع دم دست و ابتدایی) و توجه به این موضوع که پرداختن به پژوهش‌های دوزبانه (به‌خصوص، ذکر برابر نام بیماری‌ها در زبان‌های مختلف) پیش ازهر چیز توجه به توصیف و ماهیت بیماری را از نظر پزشکان دوره اسلامی می‌طلبد، از جمله اجزائی است که در این پژوهش باید مورد توجه قرار گیرند.

تقدیر و تشکر

مؤلفان این مقاله نهایت تشکر خود را از اولیای محترم فرهنگستان علوم پزشکی، از جمله معاون محترم علمی وقت و فعلی که از طرح پژوهشی ضرورت پژوهش‌های مقایسه‌ای در حوزه بیماری‌ها در پزشکی دوره اسلامی حمایت کرده‌اند به عمل می‌آورند.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-17]

Original

The Need for Comparative Research in the Field of Diseases in Islamic Medicine

Mohsen Norouzinia[1*], Farid Ghassemlou[2]

Abstract

Background: According to paragraph 12 of health communication policies and in order to explain a part of traditional Iranian medicine, it is necessary to conduct research focusing on terminological knowledge in the field of pathological knowledge in traditional Iranian medicine, because the initial research was conducted in This field shows that in terms of terminology, the words related to the description, definition and recognition of diseases in various medical texts of the Islamic period have undergone semantic changes.

Methods: This research is a historical-terminological study that has been done by using a collection of the most important medical texts of the Islamic period and recording the views and achievements of the authors.

Results: Many factors have contributed to the emergence of a set of terms around the description, definition and recognition of disease names in Islamic medical texts. The language of the texts (usually Persian or Arabic), how the basic texts are translated into the languages used in Iran and the change and meaning of the words throughout history are among these factors. At the same time, any basic research in the field of pathology in traditional Iranian medicine with the aim of explaining and recognizing the semantics of these data requires considering these semantic changes.

Conclusion: Considering the fact that the medical knowledge of the Islamic period is divided into different branches, it seems that one of the most important of these branches in terms of production of specialized words and terms is the branch of pathology, which includes a relatively large collection. But based on several components, including the use of several different languages or a long historical connection in traditional Iranian medicine and the arrival of new medical languages in Iran (from the Qajar period onwards), important semantic transformations have taken place in the meaning of disease names. And the word that used to refer to a specific disease in traditional Iranian medicine. today is assigned to another different disease.

Keywords: Islamic Medicine, Pathology, Terminology, Traditional Medicine

منابع

1. Akhawyni Bokhari A. Hidayat al-Muta□allemin fi al-Tibb. Mahshad: Ferdowsi University of Mashhad; 1976. [In Persian]
2. Al-Ansari M. Irshad al Ghasid. Edited by Jan Just Witkam. Leiden: Leiden University; 1989.
3. Tashkupri-Zadah A. Miftah al sa'adah wa misbah al siyadah fi mawdu'at al ulum. Beirut: Dar Sader; 1985.
4. Bakar O. An Introduction to Philosophy of Islamic Medicine . In: The History and Philosophy of Islamic Science. Translated by Mohammadreza Mesbahi. Mashhad: Islamic Research Foundation of Astane Quds Razavi; 2006. [In Persian]
5. Moradi Z, Esmaieli S. Presenting the Structure of Islamic Medicine in Practice. Payam-e-Baharestan 2010; 2(2): 914. [In Persian]
6. Ibn Abi Usaybia A. Uyun al-Anba fi Tabaqat al-Atibba. Edited by August Müller. Königsberg; 1882.
7. Razi A. Al-Hawi. Hyderabad: Ottoman Encyclopedia; 1971.
8. Kahhal A. Tadhkirat al-Kahhalin. Hyderabad: Ottoman Encyclopedia; 1964.
9. Zahrawi A. Al-Tasrif. Kuwait: Darolnashr; 2004.
10. Gorgani E. Zakhireye Khwarazmshahi. Tehran: Bonyad-e Farhang-e Iran; 1976. [In Persian]

1. ⁎ Corresponding Author: Assistant Professor Clinical Research Academy of Medical, IR Tehran, Iran

2. History of Science Dept, Islamica Encyclopedia Foundation, Tehran

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-17]